

مکارم فاطمی سلام علیها



گفتاریابی درباره‌ی
«صله‌ی رحم»، «مهمان‌نوازی»،
«اطعام سائل» و «تلافی کردن نیکی‌ها» (۱)

دفتر دوم

دکتر سید محمد بنی‌هاشمی

سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و پدیدآور: مکارم فاطمی (دفتر دوم): گفتارهایی درباره‌ی
«صله‌ی رحم، مهمان‌نوازی، اطعام سائل و تلافی کردن نیکی‌ها» /
سید محمد بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: نشر خسرو خوبان، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.
شابک دوره: ۸- ۳۹- ۵۸۴۵- ۶۲۲- ۹۷۸
شابک جلد دوم: ۱- ۳۸- ۵۸۴۵- ۶۲۲- ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.
یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع: فاطمه زهرا علیها السلام، ۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. فضایل.
موضوع: صله‌ی رحم، مهمان‌نوازی، اطعام سائل و تلافی کردن نیکی‌ها،
جنبه‌های مذهبی، اسلام.
رده‌بندی کنگره: ۵ / ۱۰ BP
رده‌بندی دیویی: ۰۸ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۸۹۸۸۴

مکارم فاطمی (۲)

دکتر سید محمد بنی‌هاشمی

(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی)

ناشر: خسرو خوبان

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: صبا

تلفن: ۰۹۳۵۶۷۹۳۹۷۹

t.me/khosrokhuban_publisher

khosrokhuban@gmail.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم ہے:

خورشید تابناک آفرینش

دیشوای بی نظیر اہل بنش

حضرت محمد مصطفیٰ ﷺ

بہ نیابت از:

شفیقہ می مکارم نبوی ﷺ

وجان نثار طریقت مصطفوی ﷺ

حضرت خدیجہ می کبریٰ سلام اللہ علیہا

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۳
مجلس نخست	۱۷
صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام و دعای تعجیل فرج	۱۷
اهمّیت و جایگاه معرفت حضرت فاطمه علیها السلام	۲۰
شناخت القاب فاطمی علیها السلام : روزنه‌ی ارتقاء معرفت	۲۳
لقب «محدّثه»	۲۴
مُحدّث بودن ائمه علیهم السلام	۳۰
قابل قیاس نبودن حضرت ابا الفضل علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام با افراد عادی	۳۴
مصحف فاطمه علیها السلام : ثمره‌ی «محدّثه» بودن آن حضرت	۳۹
مصحف فاطمه علیها السلام در روایت امام صادق علیه السلام	۴۳
مجلس دوم	۴۵
شناخت مکارم اخلاقی: مسیر معرفت به حضرت زهرا علیها السلام	۴۵

- ۴۷ مکرمت چهارم: صلهی رحم
- ۴۸ حقّ رحم: قطع ناشدنی
- ۴۹ ادای وظیفه‌ی صلهی رحم تا حدّ امکان
- ۵۱ پاسخ جفا با وفا
- ۵۲ طول عمر: نتیجه‌ی صلهی رحم
- ۵۳ مبتلا نشدن به فقر، آسان جان دادن و بهشت: برکات صلهی رحم
- ۵۶ آسانی حساب: اثر صلهی رحم
- ۵۷ عبور از صراط: اثر صلهی رحم
- ۵۹ داستانی از صراط، در «منازل الآخرة»
- ۶۱ امام علیه السلام: مهم‌ترین مصداق رحم
- ۶۳ فضیلت حضرت زهرا علیها السلام در موقف صراط
- ۶۵ مجلس سوم
- ۶۶ «مبارک» در قرآن کریم
- ۶۷ رضای الهی: ریشه «برکت بی‌انتها»
- ۶۹ نسل نبی اکرم صلی الله علیه و آله از مبارکه علیها السلام
- ۷۰ گرمی داشتن مهمان: پنجمین مکرمت اخلاقی
- ۷۱ «إِقْرَاءُ الصَّيْف» در دیدگاه اهل بیت علیهم السلام
- ۷۴ دستگیری صدّیقه‌ی طاهره علیها السلام حتّی از غیر شیعیان
- ۷۹ مجلس چهارم
- ۷۹ لقب «اُمّ آبیه‌ها»
- ۸۱ نخستین وجه تسمیه‌ی حضرت زهرا علیها السلام به «اُمّ آبیه‌ها»
- ۸۳ دومین وجه تسمیه‌ی حضرت زهرا علیها السلام به «اُمّ آبیه‌ها»

شناخت مکارم اخلاق: دومین راه افزایش محبت حضرت زهرا (ع)	۸۵
مهمان نوازی: عبادت خدا	۸۶
مهمان نوازی: بستر نزول فرشتگان و زندگی بخش روح	۸۷
مهمان خوانده و ناخوانده	۸۸
دو مصیبت جانگداز فاطمی (ع)	۹۱

مجلس پنجم	۹۵
فاطمه‌ی زهرا (ع): امّ ابیها	۹۵
حضرت زهرا (ع)، رسواگر غاصبان خلافت	۹۶
هم‌نشینی و هم‌سفرگی با فقرا	۱۰۰
ادب مهمان‌نوازی: دو شب پذیرایی ویژه از مهمان	۱۰۵
ادب مهمان‌نوازی: یاری دادن بر ورود و یاری نکردن بر خروج	۱۰۵
ادب خدمتگزاری به مهمان	۱۰۸
ادب مهمان‌نوازی: به کار نگرفتن مهمان	۱۰۹
ادب مهمان‌نوازی: احترام گذاشتن به مهمان	۱۱۰
ادب مهمان‌نوازی: کم نشمردن نعمت خدا	۱۱۲
رنجیدگی زهرای مرضیه از انحراف امت اسلام	۱۱۳

مجلس ششم	۱۱۷
لقب «حبیبه‌ی حبیب خدا (ع)»	۱۱۷
فضیلت حضرت زهرا (ع) در بیان اغیار	۱۱۹
حضرت فاطمه (ع)، مجسمه‌ی مکارم اخلاق	۱۲۱
ششمین مکرمت: «اطعام سائل»	۱۲۱
اطعام بیت وحی: شأن نزول سوره‌ی «هَلْ أَتَى»	۱۲۲

- ۱۳۰ حُبِّ الله يا حُبِّ الطَّعام؟
- ۱۳۱ مختصات برترین صدقه
- ۱۳۴ ذکر مصیبت و توسل به حضرت صدیق‌ه‌ی کبری علیها السلام
- ۱۳۶ دو علت گریه‌ی حضرت زهرا علیها السلام

مجلس هفتم ۱۴۱

- ۱۴۲ وظیفه‌ی اخلاقی در قبال درخواست دیگران
- ۱۴۵ نهی از ردّ سائل
- ۱۴۷ سیره‌ی ائمه علیهم السلام: اعطا به هر سائل
- ۱۵۰ وسعت بخشیدن به نان خورها
- ۱۵۲ نهی از سؤال و ردّ سائل
- ۱۵۳ درخواست از «کریمان»
- ۱۵۷ توسل به امام زمان علیه السلام
- ۱۶۲ مصیبت‌زدگی حضرت زهرا علیها السلام در فراق رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۱۶۳ رسوایی غاصبان خلافت با مظلومیت زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام

مجلس هشتم ۱۶۷

- ۱۶۷ مکرمت «تلافی نیکی‌ها»
- ۱۶۸ نعمت «معرفت حمد»
- ۱۷۲ قبح کفران نعمت
- ۱۷۲ شناخت مُنعم و واسطه‌های نعمت
- ۱۷۳ قدرناشناسی نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیتشان علیهم السلام
- ۱۷۵ نجات امت: صدقه سری مقام نبوت صلی الله علیه و آله
- ۱۸۰ «علی علیه السلام مظلوم است! علی علیه السلام از بین رفته!»

۱۸۳	قدرشناسی نسبت به امام زمان علیه السلام
۱۸۵	عصر ظهور و برچیده شدن ظلم در همه‌ی عرصه‌ها
۱۹۰	قدرناشناختگی نیکان از اهل ایمان
۱۹۲	ضوابط عاقلانه‌ی احسان به دیگران
۱۹۴	خیر رساندن، بدون چشم داشت
۱۹۶	احسان: لطف بی‌مَنّت
۱۹۸	یادی از مصائب جانسوز فاطمی علیه السلام

مجلس نهم

۲۰۱	مقدمه
۲۰۳	خطرآفرینی توقّع قدرشناسی
۲۰۵	زیبایی «احسان»
۲۰۷	گم‌نامی مؤمن و شهرت کافر
۲۰۹	فضیلت نیکوکاران گمنام
۲۱۱	لزوم جبران کردن احسان دیگران
۲۱۳	تلافی کردن بهتر است یا شکرگزاری؟
۲۱۶	لزوم آموزش سپاس‌گزاری از اهل احسان
۲۱۸	زیبایی دعا کردن برای اهل احسان
۲۲۲	جبران مضاعف لطف و احسان
۲۲۴	جلوه‌های کرم در سیره‌ی کریمان
۲۲۷	روش تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با احسان به جاهل و غافل
۲۲۹	سوز دل امام مجتبی علیه السلام در مصیبت مادر علیه السلام

مجلس دهم

۲۳۴	اهمّیت شکر، در برابر کفران
-----	----------------------------



- ۲۳۵ فضیلت ابتدا کننده‌ی به احسان
- ۲۳۶ تلافی احسان با احسان بالاتر
- ۲۳۸ وظیفه‌ی عاقلانه در حال ناتوانی از تلافی
- ۲۴۰ دعا بر فرج، در قبال احسان امام زمان علیه السلام
- ۲۴۳ دعای خیر برای جبران لطف دیگران
- ۲۴۴ یادی از مصائب فاطمی علیه السلام
- ۲۴۸ توسّل به قمر منیر بنی هاشم علیه السلام

۲۵۴ فهرست منابع

پیشگفتار

اللهم صلّ على فاطمة و ابيها و بعلمها و بنيتها
عدد ما احاط به علمك

چندین سال متوالی، در ایام فاطمیّه‌ی اوّل و دوم، به توفیق الهی بحثی را دنبال کردیم که هدف از آن، رسیدن به معرفت و محبت بیشتر نسبت به حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام بود. به این منظور، دو طریق اساسی برای نیل به این هدف مقدّس معرفی شد: یکی آشنایی با القاب و کنیه‌های آن یگانه‌ی هستی، و دوم، شناخت مکارم اخلاقی که وجود نازنین حضرت زهرا علیها السلام، سرچشمه والگوی تمام عیار آن‌ها بوده‌اند. به همت عزیزانی که آرزویی جز تقرب به ذات مقدّس سرور زنان عالمیان نداشته‌اند، گفتارهای مکارم فاطمی علیها السلام پیاده‌سازی شد، تا به تدریج، صورت نوشتار پیدا کند. اوّلین مکتوب، منحصرّاً به بیان وجوه تسمیه‌ی تنها دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به لقب «فاطمه» اختصاص یافت که در آن، پنج تفسیر از این لقب، تبیین گردید. این نوشته، تحت عنوان «فاطمه علیها السلام: لیلۃ القدر» در سال ۱۳۹۶ هـ ش منتشر شده است.

مکتوب دوم، تحت عنوان «مکارم فاطمی علیها السلام» (دفتر نخست) در سال ۱۴۰۱ هـ ش به چاپ رسید که در آن، به هر دو محور، پرداخته شد. در محور نخست، پنج لقب «زهرا»، «صدّیقه»، «طاهره»، «زکیّه» و «بتول» مورد توجّه و تبیین قرار گرفت و در محور دوم (شناخت مکارم اخلاق) نیز سه مکرمت مهمّ «صدق الیّاس»، «صدق اللّسان» و «اداء الامانة» محلّ بحث و شرح، واقع گردید.

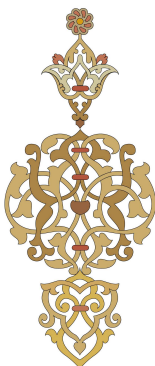
اکنون مکتوب سوم از این مجموعه، تحت عنوان «مکارم فاطمی علیها السلام» (دفتر دوم) به علاقمندان یگانه بانوی دو عالم، عرضه می‌شود. در این نوشته، سه لقب و یک کنیه‌ی مادر سادات، تفسیر و تبیین شده‌اند. القاب: «محدّثه»، «مبارکه» و «حبیبه‌ی حبیب خدا»، به علاوه‌ی کنیه‌ی «امّ ابیها»، محور اوّل موضوع معرفت حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشند. در محور دوم، به شرح چهار مکرمت اخلاقی پرداخته شده که عبارت‌اند از: «صله‌ی رحم»، «مهمان‌نوازی»، «اطعام سائل» و بخش اوّل «تلافی کردن نیکی‌ها».

امید داریم آشنایی عمیق‌تر با این چهار نام و چهار فضیلت اخلاقی، ما را هرچه بیشتر به معرفت و محبّت مجسمه‌ی خوبی یعنی حضرت صدّیقه‌ی طاهره علیها السلام نزدیک گرداند.

عزیزانی که در کار پیاده‌سازی، مدرک‌یابی، ترجمه، ویرایش علمی-ادبی، تنظیم، تکمیل و تدوین این دفتر، زحمات خالصانه متحمّل شده‌اند، نخواستند که با نام بردن، از ایشان قدر دانی کنیم. لذا این حقیر، بدون ذکر نام، به سهم خویش، از تلاش‌هایشان تقدیر و تشکر می‌نمایم و بهترین دعا را در حقّ ایشان به درگاه الهی عرضه می‌دارم که: «جزاکم الله خیراً» یعنی خدا به شما پاداش خیر دهد! و به زبانی دیگر

خدمتشان عرض می‌کنم: «اجر شما با حضرت زهرا علیها السلام». این اثر را از جانب همه‌ی این عزیزان، به نیابت از حضرت خدیجه‌ی کبری علیها السلام به گل سرسبد خلقت و سرچشمه‌ی اعلای مکارم فاطمی علیها السلام یعنی وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تقدیم می‌دارم. امیدوارم به خاطر محبتی که رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم به امّ الزّهراء علیها السلام داشته‌اند، این تلاش ناچیز را از ما بپذیرند و خداوند متّان را می‌خوانم که در ماه ضیافتش، همه‌ی مهمان‌های خود را با تعجیل در امر فرج تنها ذریّه‌ی پاک باقی‌مانده از مادر سادات، پذیرایی فرماید.

سید محمد بنی‌هاشمی
رمضان المبارک ۱۴۴۵ ه ق
اسفند ماه ۱۴۰۲ ه ش



۱

مجلس نخست

صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام و دعای تعجیل فرج

صلواتی بر حضرت صدیقه طاهره علیها السلام از امام حسن عسکری علیه السلام
نقل شده که به درگاه الهی عرضه می دارند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ الزَّكِيَّةِ، حَبِيبَةِ نَبِيِّكَ
وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيائِكَ، الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا، وَ اخْتَرْتَهَا
عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ
اسْتَحَفَّ بِحَقِّهَا، اللَّهُمَّ وَ كُنِ الثَّائِرَ لَهَا بِدَمِ أَوْلَادِهَا. اللَّهُمَّ وَ
كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَ حَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ، الْكَرِيمَةِ
عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى؛ فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى،
صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَ تُقَرِّبُهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا،

وَأَبْلَغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ.^۱
 خداوندا! بر حضرت صدّیقه، فاطمه‌ی زهرا، آن بانوی پاک،
 محبوبه‌ی نبیّت و مادر محبوب‌ها و برگزیدگانت، درود فرست!
 آن‌کس که وی را بر زنان جهانیان برگزیدی و برتری‌اش دادی و
 انتخابش کردی. خداوندا! برای او، طالب [حق] باش! از هر کس
 که به او ستم نمود و حقّش را سبک شمرد. خدایا! و برای وی،
 خون‌خواه خون فرزندان‌ش باش! خداوندا! و چنان‌که او را مادر
 امامان هدایت و همسر صاحب پرچم (امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام) و
 گرمی داشته در ملاً اعلیٰ قرار دادی؛ پس بر او و مادرش
 خدیجه‌ی کبری عَلَيْهَا السَّلَام درود فرست! درودی که با آن، آبروی
 حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را گرمی بداری و دیدگان فرزندان‌ش را بدان
 روشن گردانی و در این لحظه، بهترین درود و سلام را از جانب
 من، به ایشان برسان!

در حدیثی از خود حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به نقل از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 چنین آمده است:

يَا فَاطِمَةُ! مَنْ صَلَّى عَلَيْكِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ أَلْحَقَهُ بِى حَيْثُ
 كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ.^۲

ای فاطمه! هر کسی که بر تو درود فرستد، خداوند، [گناهان او را]
 برایش می‌آمرزد و وی را هرجا که در بهشت باشیم، به من، ملحق
 می‌کند.

باید توجه داشت مقام پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن‌چه تصوّر می‌کنیم،

۱. بحارالانوار / ۹۱ / ۷۴ به نقل از جمال الاسبوع.

۲. کشف الغمّة / ۱ / ۴۷۳.

بسیار بالاتر است، ولی امیدواریم به درجات پایین تر نیز عنایت کنند. هر کس در هر درجه‌ای که هست، می‌تواند امید داشته باشد که خداوند، از طریق صلوات فرستادن بر حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام، توفیق مُلحق شدن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و همنشینی با ایشان در بهشت را به او عطا نماید.

صلواتی که در ابتدا قرائت شد، برگرفته از حدیث شریفی است که در آن، امام حسن عسکری علیه السلام یک به یک بر پدران گرامی و مادرشان درود فرستاده‌اند. این صلوات را مرحوم محدث قمی نیز در کتاب مفاتیح الجنان آورده‌اند.

در همین فرازی که بر حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام درود فرستادیم، دوبار برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام دعا می‌کنیم: یک بار: «اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا». این جا عرضه می‌داریم: «خدایا! تو خودت، طالب حق او باش و تقاص محبوبه‌ات را از کسانی که به او ظلم کردند و حق ایشان را خفیف و خوار شمردند، بگیر». به علاوه دعا می‌کنیم: «اللَّهُمَّ وَ كُنِ الثَّائِرَ لَهَا بِدَمِ أَوْلَادِهَا». در این فقره می‌گوییم: «خدایا! تو خودت، تاوان خون‌هایی که به ناحق از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام ریخته شد را بگیر».

کسی جز وجود مقدس امام زمان علیه السلام طالب حق مادرش، حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام، و منتقم خون اولاد آن بزرگوار نیست و دست انتقام الهی، از آستین این ذخیره‌ی الهی بیرون خواهد آمد. لذا یکی از القاب ایشان «ثَائِرُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام» است.^۱

این مجالس، هم مجلس عزا و ذکر مصیبت حضرت صدیقه‌ی زهرا علیها السلام است و هم باید مجالس دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام باشد. و گرنه بدون تردید، به صاحب مجلس جفا کرده‌ایم. آن چه دل حضرت زهرا علیها السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خود امام زمان علیه السلام را شاد می‌کند، تعجیل فرج ایشان است.

خدا می‌داند دعاگوترین افراد بر تعجیل فرج، خود امام عصر علیه السلام هستند. اگر ماهم گاهی در خودمان حرارتی می‌بینیم و از سوز دل، ولو یکی دو دقیقه، دعا می‌کنیم، ناشی از داغ سینه‌ی پرگداز خود آن حضرت است. ما به لطف خدا و عنایت امام عصر علیه السلام، اهل ولایت هستیم. شیعیان، دل‌هایشان به امام زمان علیه السلام وصل است. وقتی دل آن حضرت به درد می‌آید، تمام عالم هستی، دردمند می‌شود. جگر آن حضرت چقدر تفتیده و سوزان است! آن هم در این ایام که داغ و مصیبت مادر برای ایشان، زنده می‌شود. تمام کسانی که ارتباط روحی، معنوی و ولایی با ایشان دارند، از این رنجیدگی مولایشان، ضجر می‌کشند و شایسته است که دست به دعا شوند.

خداوند، این ایام را ایام تعجیل فرج امام زمان علیه السلام و ظهور آن حضرت قرار دهد و چشمان ناقابل ما را به جمال ایشان روشن فرماید.

اهمّیت و جایگاه معرفت حضرت فاطمه علیها السلام

نخستین نکته‌ی اساسی‌ای که در مجموعه‌ی مکارم فاطمی علیها السلام مطرح کرده و می‌کنیم، این است که معرفت حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام، خودش عبادت خداوند است.

خداوند متعال می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.^۱

جَنّ و انس را نیافریدم، مگر برای آن‌که مرا بندگی کنند.

هدف از خلقت، بندگی خداست و شرط لازم عبادت خداوند هم معرفت اوست. در جای خود، مفصل بحث کرده‌ایم که معرفت خدا، بدون معرفت حجت او، حاصل شدنی نیست.^۲ به عنوان نمونه، ذیل این آیه‌ی شریفه، حدیثی شریف از حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) نقل شده که:

ای مردم! همانا خداوند عزّوجلّ، بندگان را نیافرید، مگر برای این‌که به او معرفت پیدا کنند. پس وقتی معرفت او را یافتند، به بندگی او بپردازند.

پس کسی عرض کرد: ... معرفت خداوند چیست؟

حضرت فرمودند:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.^۳

معرفت اهل هر زمانی نسبت به امام خود، که اطاعت او بر ایشان واجب است.

این یعنی اگر معرفت خدا را می‌خواهیم، باید معرفت امام زمان (علیه السلام) را داشته باشیم و حق معرفت امام زمان (علیه السلام) و ائمه‌ی طاهرین (علیهم السلام) بدون معرفت حضرت زهرا (علیه السلام) نصیب کسی نمی‌شود.

۱. الذّاریات / ۵۶.

۲. بنگرید به: معرفت امام عصر (علیه السلام) / بخش دوم، فصل اوّل و دوم.

۳. علل الشّرایع / ۱ / ۹.

امام صادق علیه السلام در روایتی که در حدّ درک هرکسی نیست، می‌فرماید:

عَلَى مَعْرِفَتِهَا، دَارَتْ الْقُرُونُ الْأُولَى.^۱

امّت‌های [اعصار] نخستین، بر مدار معرفت ایشان گشته‌اند.

بندگان مقرّب خداوند، در امّت‌های پیشین، همه‌ی مقاماتشان، دائر مدار معرفت و محبّت به حضرت زهرا علیها السلام بوده است. لذا پیامبرا کرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد دخترشان می‌فرمایند:

مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيٍّ، حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مَحَبَّتِهَا.^۲

نبوّت هیچ پیامبری به کمال نرسید؛ مگر این‌که به برتری و محبّت ایشان، اقرار کرد.

این یعنی کمال نبوّت تمام پیامبران، حتّی ابراهیم خلیل الله، موسی کلیم الله علیه السلام و محمّد حبیب الله صلی الله علیه و آله و سلم، به اقرار به فضیلت و محبّت حضرت زهرا علیها السلام وابسته است. محبّت حضرت زهرا علیها السلام اکسیر عجیبی است! خداوند بر ما منتّ عظیمی گذاشته که یک قطره از دریای این محبّت را در دل‌هایمان انداخته است. آن محبّتی که پیغمبرا کرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به دخترشان داشتند، اصلاً با بهره‌ای که ما داریم، قابل مقایسه نیست. آن، اقیانوس است. مایک قطره از آن اقیانوس را هم نداریم. پیامبرا کرم صلی الله علیه و آله و سلم بود که می‌دانست دخترش کیست.

۱. بحار الانوار / ۴۳ / ۱۰۵ به نقل از الامالی (طوسی) / ۶۶۸.

۲. عوالم العلوم / ۱۱ / ۱۶۱. نیز نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور کلی درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند: «مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيٍّ فِي الْأَظْلَةِ حَتَّى عَرَضَتْ عَلَيْهِ وَلَا يَتِي وَلَا يَهُ أَهْلُ بَيْتِي وَمَثَلُوا لَهُ فَاقْرَؤُوا بِطَاعَتِهِمْ وَلَا يَتِهِمْ». (بصائر الدرجات / ۱ / ۷۳).

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ علیها السلام حَقَّ مَعْرِفَتِهَا، فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ.^۱

هر کس که به شایستگی، حضرت فاطمه علیها السلام را بشناسد، به یقین، شب قدر را درک کرده است.

و خدای متعال می فرماید:

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؟^۲

و تو چه می دانی که شب قدر چیست؟!

پس دستیابی به این «حق معرفت»، به این آسانی ها نیست. مقام حضرت زهرا علیها السلام، در این مرتبه از والایی است.

شناخت القاب فاطمی علیها السلام: روزنه‌ی ارتقاء معرفت

در جای خود توضیح مفصل داده‌ایم که اساساً یکی از وجوه نام‌گذاری زهرا علیها السلام مرضیه به نام «فاطمه علیها السلام» همین است که خداوند، غالب مردم را از دستیابی به ژرفای معرفت ایشان، محروم داشته است.^۳ ولی البته از این اقیانوس «هم به قدر تشنگی باید چشید». ما برای دستیابی به فلسفه‌ی خلقت‌مان (بندگی خدا) موظفیم زمینه‌هایی که خداوند قرار داده را پی‌گیری کنیم، تا از این دریای بی‌کرانه، محروم نمانیم. هرچه بتوانیم معرفت‌مان را نسبت به حضرت زهرا علیها السلام بالاتر ببریم، سرمایه‌ی سودآورتری برای بندگی خدا به دست آورده‌ایم. لذا باید سراغ باغستان خرّم روایات اهل بیت علیهم السلام برویم و از خود

۱. تفسیر فرات الکوفی / ۵۸۱.

۲. القدر / ۲.

۳. در کتاب «فاطمه علیها السلام: لیلۃ القدر» به تفصیل به این موضوع پرداخته‌ایم.

آن بزرگواران، بخواهیم قدری از چهره‌ی این گوهر پنهان آفرینش، پرده بردارند.

در دفتر نخست این مجموعه، به عنوان دومین نکته‌ی اساسی، گفتیم که برای قرار گرفتن در مسیر معرفت بیشتر نسبت به حضرت زهرا علیها السلام، دو راه وجود دارد که یکی از آن‌ها «معرفت نسبت به مقامات آن حضرت» است. هریک از القاب و کنیه‌های حضرت زهرا علیها السلام روزه و دریچه‌ای برای شهود این خورشید است. لذا به قدر وسع خود، برخی از این القاب را در آینه‌ی روایات تحلیل می‌کنیم تا به عنایت آن بزرگوار، از این تاریکی فراگیر بیرون بیاییم و چشم‌هایمان قدری با پرتویی از محبت و معرفت ایشان، روشن گردد.

لقب «محدثه»

اکنون می‌خواهیم لقب مقدس «محدثه» را با یاری گرفتن از کلمات اهل بیت علیهم السلام بیشتر بشناسیم. یکی از زیباترین نام‌هایی که شیعیان می‌توانند روی فرزندان‌شان بگذارند، همین «محدثه» است. مرحوم شیخ صدوق رحمته الله، در کتاب «علل الشرایع» روایاتی که وجه تمسبه‌ی حضرت زهرا علیها السلام به «محدثه» را بیان می‌کنند، نقل فرموده‌اند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ مُحَدَّثَةً، لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْتِفُ
مِنَ السَّمَاءِ، فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ.
فَتَقُولُ: يَا فَاطِمَةُ! «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ

عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ».^۱ يَا فَاطِمَةُ! «اِفْتَتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ
از كَعْبِي مَعَ الرَّاكِعِينَ».^۲ فَتَحَدَّثَهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا.^۳

همانا فاطمه علیها السلام «محدثه» نامیده شد، زیرا فرشتگان، از آسمان
فرود می آمدند و ایشان را ندا می دادند؛ همان گونه که مریم دختر
عمران علیها السلام را ندا می کردند. پس می گفتند: «ای فاطمه! همانا
خداوند، تو را [به برتری] انتخاب نمود و پاکت فرمود و تو را
بر زنان جهانیان برگزید». ای فاطمه! «برای پروردگارت،
فرمان بری و بندگی کن و سجده بگزار و با رکوع کنندگان، رکوع به
جای آور». پس ایشان، با آن ها سخن می گفت و آن ها نیز با وی،
سخن می گفتند.

در این بیان شریف، «حدیث کردن و سخن گفتن»، از هر دو سو بیان
شده است.

هم حضرت صدیقه باملائک سخن می گفتند و هم فرشتگان با
حضرتش صحبت می کردند. به همین جهت، ایشان، هم «محدثه»
(سخن گو) بودند و هم «مُحدثه» (مخاطب سخن). بعضی از نواصب
لعنة الله عليهم فکر کرده اند که این یعنی از نگاه شیعه، آن بزرگوار،
برخوردار از مقام نبوت بوده است. در حالی که «نبی» کسی است که
مخاطب «وحی شریعت» قرار می گیرد.

منظور از «شریعت»، آموزه های کلی ای است که طریق بندگی خدا
را به انسان ها نشان می دهد و شامل اعتقادات، اخلاق و احکام می شود.

۱. آل عمران / ۴۲.

۲. همان / ۴۳.

۳. بحار الانوار / ۴۷ / ۷۸ به نقل از علل الشرایع / ۱ / ۱۸۲.

به بیان دیگر، «شریعت»، یعنی همه‌ی آنچه که به عنوان وظیفه‌ی بندگی باید انجامش دهیم و «وحی شریعت»، «ابلاغ» همه‌ی آن آموزه‌ها توسط «فرشتگان حامل وحی الهی»، به رسول و نبی است. حال، ممکن است وحیی که توسط این ملائک ارائه می‌شود، در مقام «تأسیس» یک شریعت جدید باشد (چنان‌که در مورد انبیاء اولوالعزم بوده)^۱ یا صرفاً مأموریت «تبلیغ» شریعت پیامبران قبلی، به پیامبری سپرده شود.^۲ این «تبلیغ» هم، گاه صرفاً تذکر دادن و بازگو کردن آموزه‌هایی است که پیشتر ارائه شده و گاهی هم ممکن است دربردارنده‌ی بیان احکام جدیدی باشد که تبیین و تفصیل شریعت انبیاء پیشین است.^۳

اما هر وحیی این‌گونه نیست. لذا به ائمه علیهم‌السلام نیز به معنای عام آن، وحی می‌شد؛^۴ ولی نه وحی شریعت. شریعت اسلام، پیش از آن‌که

۱. که در این صورت، آن پیامبر را «پیامبر تشریعی» می‌نامند.

۲. که در این صورت، آن پیامبر، «پیامبر تبلیغی» نامیده می‌شود.

۳. ان شاء الله این بحث را با تفصیل و مستندات، در حلقه‌ی دوازدهم از سلسله مباحث اعتقادی (امامت) مطرح خواهیم کرد.

۴. از همین رو قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (الانبیاء / ۷۳) نیز: الکافی / ۱ / ۱۹۹ و کفایة الاثر / ۳۰۲ و ۳۰۳.

همچنین درباره‌ی امام عصر علیه‌السلام، این گفتگو میان امام باقر علیه‌السلام و راوی، شکل گرفته است: به ابی جعفر علیه‌السلام عرضه داشتیم: «فدایت شوم! از صاحب این امر، خبرم بده». فرمود: «... یُوحَى إِلَيْهِ هَذَا الْأَمْرُ لَيْلَةً وَنَهَارَةً» (... این امر، شب و روزش، به وی وحی می‌شود).... عرض کردم: «ای اباجعفر! به او وحی می‌شود؟!». فرمودند: «يَا بَا جَارُودٍ! إِنَّهُ لَيْسَ وَحْيٌ نُبُوَّةٌ وَلَكِنَّهُ يُوحَى إِلَيْهِ كَوَحْيِهِ إِلَى مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا بروند، به طور کامل بر ایشان نازل شد. چنان که خدای متعال می فرماید:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.^۱

امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پسندیدم.

لذا ائمه علیهم السلام به هیچ یک از گونه های گفته شده، مخاطب وحی شریعت اسلام نبودند. بله، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خودشان همه ی تفصیل شریعت اسلام را ارائه نکردند و ائمه علیهم السلام با علمی که از آن بزرگوار به ارث بردند، این تفصیل را فرا گرفته و ارائه نمودند. در نتیجه همه ی آنچه از احکام دین که زمان ائمه ی اطهار علیهم السلام، حتی امام عصر علیه السلام، ظاهر شده و خواهد شد، از طریق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و به واسطه ی ایشان، به ائمه علیهم السلام منتقل شده است، نه آن که مستقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان وحی شده باشد و از این طریق، برای تبلیغ یا تکمیل اسلام، مأموریت یافته باشند. پس دین و شریعت اسلام، از غیر طریق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امامان نرسیده و پیش از ایشان،

﴿وَإِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ وَإِلَى النَّحْلِ، يَا بَا الْجَارُودِ! إِنَّ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام لَأَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَأُمِّ مُوسَىٰ وَالنَّحْلِ﴾. (ای ابا جارود! همانا آن، وحی نبوت نیست، ولی همانند وحی وی (خداوند) به مریم دختر عمران و [وحی او] به مادر موسی و [وحی الهی] به زنبور عسل، به وی (امام مهدی علیه السلام) وحی می گردد. ای ابا جارود! همانا به یقین، قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزد خداوند، از مریم دختر عمران و مادر موسی و زنبور عسل، گرامی تر است). (بحار الانوار / ۵۲ / ۳۸۹).

خداوند، تمامی تفصیل دین را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل فرموده است.^۱

اما وحی، فقط منحصر در وحی شریعت و دین نیست. خارج از وحی شریعت و آموزه‌های کلی الهی، جزئیات، موضوعات، اخبار گذشتگان، اخبار غیبی که به احوال جاری افراد (مانند مراجعان ائمه علیهم السلام) مربوط می‌شده و همه‌ی آن‌چه به امور مخفی و غیبی مربوط می‌شود، ممکن است در قالب وحی، توسط ملائک به امام علیه السلام ارائه گردد. مثلاً معصومین علیهم السلام از «عِلْمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ» (علم به آن‌چه در گذشته واقع شده و آن‌چه تا قیامت اتفاق می‌افتد) برخوردارند.^۲ یکی از طرق عالم شدن امام علیه السلام نسبت به این امور، وحیی است که توسط فرشتگان ارائه می‌شود. پس فرود آمدن فرشتگان به محضر

۱. به عنوان نمونه، به دو روایت ذیل بنگرید:

* عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمُغِيرِيَّةِ فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ مِنَ السُّنَنِ. فَقَالَ: «مَا مِنْ شَيْءٍ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَلَدُ آدَمَ إِلَّا وَقَدْ خَرَجَتْ فِيهِ السُّنَّةُ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ مَا احْتَجَّ عَلَيْنَا بِمَا احْتَجَّ». فَقَالَ الْمُغِيرِيُّ: «وَ بِمَا احْتَجَّ؟» فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَوْلُهُ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَنْتُمْ عَلَى اللَّهِ بِعَمَلِكُمْ نِعْمَتِي - حَتَّى فَرَعَ مِنَ الْآيَةِ - فَلَوْ لَمْ يُكْمَلْ سُنَّتُهُ وَ فَرَائِضُهُ وَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ، مَا احْتَجَّ بِهِ». (بحار الانوار / ۲ / ۱۶۹ به نقل از: بصائر الدرجات).

* «فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَنْتُمْ عَلَى اللَّهِ بِعَمَلِكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «لَا أَنْزِلُ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ الْفَرِيضَةِ، فَرِيضَةً. قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ هَذِهِ الْفَرَائِضَ». (دعائم الاسلام / ۱ / ۱۵ و نیز بنگرید به: تفسیر العیاشی / ۱ / ۲۹۳).

۲. به عنوان نمونه، فرموده‌اند: «إِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ مَا كَانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ كَائِنْ إِلَى أَنْ تَسْقُومَ السَّاعَةُ». (الكافی / ۱ / ۲۴۰) و نیز: «عِنْدَهُمْ عِلْمُ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». (عیون اخبار الرضا علیه السلام / ۲ / ۲۲۳).

حضرات معصومین علیهم السلام، دلیل بر نبوتشان نیست.^۱ ایشان هم باملائک سخن می‌گفتند و هم سخن می‌شنیدند و نبی هم نبودند.^۲
امام صادق علیه السلام بیان پیشین را این‌گونه ادامه می‌دهند:

... فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ: «أَلَيْسَتْ الْمُضَلَّةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ علیها السلام؟» فَقَالُوا: «إِنَّ مَرْيَمَ علیها السلام كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَعَالَمِهَا وَ

۱. به روایت شریف در این باره دقت کنید: عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: «إِنَّ عَلِيًّا علیه السلام كَانَ مُحَدَّثًا» فَقُلْتُ فَتَقُولُ: «نَبِيٌّ»؟ قَالَ فَحَرَّكَ بِيَدِهِ هَكَذَا ثُمَّ قَالَ: «أَوْ كَصَاحِبِ سُلَيْمَانَ أَوْ كَصَاحِبِ مُوسَى أَوْ كَذِي الْقُرْنَيْنِ أَوْ مَا بَلَغَكُمْ أَنَّهُ قَالَ: «وَفِيكُمْ مِثْلُهُ»؟!». (الكافي / ۱ / ۲۶۹).

۲. درباره‌ی محدثه بودن و نبی نبودن حضرت زهرا علیها السلام، از جناب محمد بن ابوبکر نقل شده که وقتی این گزاره را قرائت نمود: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ (الحج / ۵۲) وَلَا مُحَدَّثٍ...» (و ما پیش از تو، نه فرستاده و نه پیامبری و نه محدثی را نفرستادیم ...) از ایشان پرسیده شد: «آیا فرشتگان، جز با انبیا سخن می‌گویند؟» ایشان در پاسخ چنین فرمود: «إِنَّ مَرْيَمَ علیها السلام لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً وَكَانَتْ مُحَدَّثَةً وَأُمُّ مُوسَى بِنْتُ عِمْرَانَ علیها السلام كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَكَانَتْ نَبِيَّةً وَسَارَةُ امْرَأَةُ إِبْرَاهِيمَ علیها السلام قَدْ عَايَنَتِ الْمَلَائِكَةَ فَبَشَّرُوها «بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود / ۷۱) وَلَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً وَفَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَلَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً». (همانا حضرت مریم علیها السلام نبی نبود و محدث بود، و مادر موسی بن عمران علیه السلام محدث بود، در حالی که پیامبر نبود و ساره همسر ابراهیم علیه السلام فرشتگان را دید، پس او را به [تولد] اسحاق و در پس اسحاق، به [تولد] یعقوب مژده دادند، در حالی که او پیامبر نبود و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله محدث بود، در حالی که پیامبر نبود). (بحار الانوار / ۴۳ / ۷۹ به نقل از علل الشرایع). در نقلی دیگر از این بیان، امیرالمؤمنین علیه السلام گفتار جناب محمد بن ابوبکر را پس از شهادت وی، تأیید و تصدیق فرموده‌اند. (کتاب سلیم / ۲ / ۸۲۴).

سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ^۱.

... پس شبی ایشان (حضرت فاطمه علیها السلام) به آنان (فرشتگان) فرمود: «آیا آن‌که بر زنان جهانیان، برتری یافته، مریم دختر عمران علیها السلام نیست؟» عرضه داشتند: «همانا مریم، سرور زنان عالم (عصر) خود بود و همانا خداوند عزوجل، تو را بانوی بانوان عالم خودت و عالم وی (مریم علیها السلام) و سرور تمام زنان از پیشینیان تا پسینیان قرار داده است».

در طول خلقت، اگر تمامی زنان را جمع کنیم، سرور همه‌ی آن‌ها، صدیقی طاهره علیها السلام هستند. حضرت مریم بنت عمران علیها السلام با این‌که بانوی زنان عالم خودش است، یکی از محبان و شیعیان و ندیمان^۲ حضرت زهرا علیها السلام به حساب می‌آید.

مُحَدَّثُ بُوْدِنِ اَئِمَّهٖ علیها السلام

عنوان «مُحَدَّثُ»، به ائمه علیهم السلام هم اطلاق شده است. در کتاب شریف کافی، بابی است تحت عنوان «بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ علیهم السلام مُحَدَّثُونَ مُفَهَّمُونَ»^۳ (باب این‌که: امامان علیهم السلام مخاطب سخن [آسمانیان] قرار می‌گیرند و [حقایق] به ایشان فهمانده می‌شود). این باب، حاوی روایات جلیل‌القدری در این باره است. به زبان عامیانه، آسمانیان با آن بزرگواران حرف می‌زنند و علومی به این واسطه برایشان

۱. بحارالانوار / ۴۳ / ۷۸ به نقل از علل الشرایع / ۱ / ۱۸۲.

۲. در روایت نبوی صلی الله علیه و آله آمده است که حضرت مریم علیها السلام در خدمت حضرت زهرا علیها السلام هستند: «يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهَا مَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ علیها السلام فْتَمَرُضُهَا وَتُؤَسِّسُهَا فِي عِلَّتِهَا» (الفضائل / ۱۰).

۳. الکافی / ۱ / ۲۷۰.